

# وجنگ آغاز می‌شود

سینمای ایران به سال ۱۳۵۹ رسید

تهران متفجر می‌شود، سینما جهان‌نمای چالوس در ۲۱ اردیبهشت دچار حریق می‌شود و سینما امید مهاباد هم در ۳ خرداد در آتش می‌سوزد. جمال‌امید این اتفاقات را تلاشی می‌داند از سوی سینمادارها تا بهانه‌ای شود برای مصادره نشدن سینماها. با این حال بنیاد مستضعفین با تشکیل «واحد تحقیق و اقدام» به خواسته‌هایش دست می‌یابد. ۲۱ اردیبهشت نیز اطلاعیه‌ای در روزنامه‌های کثیرالانتشار نشر می‌دهد مبنی بر اینکه آنچه بنیاد انجام می‌دهد تلاشی است برای انجام «وظیفه شرع و اخلاقی»

و البته پیرو دستور دادستان کل انقلاب اسلامی است تا از «اشاعه فساد و فحشا در رابطه با مراکز هنری و سینماها و تئاترهای کشور» جلوگیری شود.

برای یادآوری، نجفی ۲۶ فروردین استعفا خود را در روزنامه اطلاعات منتشر می‌کند اما هنوز استعفاش مقبول واقع نشده است. او هنوز به خیابان بهارستان می‌رود و تلاش دارد شرایط را به شکل سابق بازگرداند اما چنین چیزی ممکن نیست. او درباره آن روزها به جمال امید گفته است «در اوایل اردیبهشت ماه مرحوم آیت‌الله بهشتی پیغام دادند که ما بن کاری دارند و باید به دیدار ایشان در وزارت دادگستری بروم... ساعت ۶ صبح در دادگستری این دیدار دست داد و پس از خوش‌وش اولیه و پاسخ به چند سوال شخصی ایشان سرانجام اصل موضوع مطرح شد. ایشان با خنده‌ای گفت «نجفی، چیزهایی می‌گویند اما من با شناختی که از تو دارم باورم نمی‌شود اما این سوال برام مطرح است که چطور این اتفاق افتاده است، و بعد پروانه سفید اضضایی را برابر من گذاشت.»

نجفی در همین گفت‌وگو می‌گوید در آستانه شب عید برحسب اعتمادش با نمایندگان صنوف چند پروانه سفید را امضا می‌کند و حالا این یکی از همان پروانه‌ها در دست آیت‌الله بهشتی است، نشانه اعتمادی که حالا وسیله‌ای برای ضربه زدن به نجفی شده است. نجفی می‌گوید با دیدن پروانه سفید متوجه می‌شود امنیت شغلیش زیر سوال رفته است و در نتیجه استعفاش را به حبیبی می‌دهد اما با وجود رد شدن استعفا به سراغ ساخت سریال «سربداران» می‌رود. البته نجفی تا چهار ماه پس از استعفاش کامکان مدیر سینمایی است اما عملاً همه چیز دیگر در کف قدرت بنیاد هنری مستضعفان است.

از فعالیت‌های مهم نجفی در این دوره چهارماهه مذاکره با حجت‌الاسلام شیرازی، حاکم شرع دایره مبارزه با منکرات است تا نمایندگانی از سوی این نهاد در حوزه نظارت بر فیلم‌ها حضور داشته باشند. خبر این موضوع ۲۹ اردیبهشت منتشر می‌شود و نتیجه آن اکران فیلم «گاو» و چند فیلم دیگر ساخته‌شده در سال‌های پیش از انقلاب در سینماهاست اما این هم به جنگ تازه‌ای بدل می‌شود و دادستانی «قیصر» و «همسفر» را به حکم خلخالی توقیف می‌کند. خلخالی ۲۸ خرداد «قیصر» را در سینما شهر قشنگ تماشا می‌کند و سپس با همراهی بنیاد هنری مستضعفین فیلم را توقیف می‌کند. هرچند بعداً حجت‌الاسلام شیرازی موضوع را تکذیب می‌کند تا این‌شأنه ایجاد شود بنیاد هنری مستضعفین خود در حال دخالت برای به دست گرفتن امور است.

ادامه دارد...

از دست رفتن سالن‌ها به نوعی بی‌معنا شدن چیزی به نام مدیریت سینما را در پیش داشت. نجفی که در تلاش بود با گفت‌وگو نهاد قضایی وقت را همراه با خود کند، تاب و تحملش طاق می‌شود تا طی گفت‌وگویی با روزنامه اطلاعات خبر از استعفا خود می‌دهد. نجفی دلایل استعفا خود را دخالت دادستان کل انقلاب و بنیاد مستضعفان اعلام می‌کند. اشاره او دقیقاً به اطلاعیه دادستانی است که سینما را عملاً محل ترویج فحشا اعلام می‌کنند. او استعفا خود را نوعی اعاده حیثیت نسبت به این وضعیت می‌پندارد و می‌گوید «معتزرم، زیرا این را اهانت می‌دانم... این صحیح نیست که سلیقه‌های شخصی باعث تضعیف دولت شود، مثلاً یک وزارتخانه با مسئولیت و راه مشخصی که دارد از نظر ارگانی قابل اعتماد نباشد و حتی وزیر مسئول این وزارتخانه برای مشورت مورد اطمینان نیست.» نجفی هم همچون رضانوری اعلام می‌کند که بنیاد مستضعفین در انتخاب فیلم‌های اکرانی برای سالن‌هایش رویه‌ای متضاد با اطلاعیه انتشاری پیش گرفته است تا جایی که آنان «خود از نمایش فیلم حضرت محمد در سالن‌های خود خودداری کردند؛ درحالی که این فیلم همزمان با سالگرد انقلاب در چند سینما به نمایش درآمد.» اما یک گفته نجفی بوی تازگی می‌دهد، او می‌گوید مدیران بنیاد در اروا گرفته‌اند «در ایران فیلم ملی شده است» که عملاً به معنای پایان حضور بخش خصوصی در سینماست و این همان چیزی بود که نجفی تلاش برای حفظش داشت. او واردات فیلم خارجی را ممنوع کرد تا به تهیه‌کنندگان ایرانی قدرت دهد و دست برخی سینماها را در اکران فیلم‌ها بزد تا درهای گل گرفته‌شده را باز کنند اما به نظر می‌رسد جایی خارج از برنامه‌هایش عده‌ای ایده‌ای دیگر در سر داشتند.

اردیبهشت همان سال نجفی با مجله «تصویر ۵۹» مصاحبه می‌کند و ابعاد دیگری از این رویداد ارائه می‌دهد. آن وقت که مسئولان مملکت برمی‌گردند و می‌گویند شما سرپرستان مراکز فحشا هستید چه کسی است که جواب این هتمت‌ها را بدهد؟» او نامی از این افراد نمی‌آورد، عوض می‌گوید چطور این اخبار برایش مشکلات خانوادگی پدید آورده است. جایی می‌گوید: «ده‌ها تلفن از طرف خانواده به من شد که معذرت می‌خواهیم بعد از یک عمر فعالیت و در دوره گذشته با داشتن فوق‌لیسانس و قبول نکردن مشاغل دولتی حالا که شغل دولتی گرفتید، آمدید شدید سرپرست مراکز فحشا. این جا بنیان اسلامی دارد؟ کجا بنیان اخلاقی دارد؟» او حتی مدعی می‌شود علیه سانسور و اختناق مبارزه کرده است و سانسور را علیه آیه «لا تجسسوا» می‌داند. در این گفت‌وگو نجفی یک ادعای مالی جذاب هم می‌کند. می‌گوید بنیاد مستضعفان «۷۰۰ هزار دلار برده‌اند و در خارج فیلم خریدند ولی یک هزار دلار هم مواد خام خریدند نشده است... من نمی‌فهم چه دست‌پاچه‌ای در کار است که ۷۰۰ هزار دلار پول نقد خارج می‌شود؛ درحالی که هزارها کارگر فنی بیکار هستند، آن وقت می‌گویند چرا ناراضیانی ایجاد می‌شود؟» پایان این تکذیب‌ها و تاییدها چند روز بعد عیان می‌شود. رویه مصادره سینماها از اصفهان، بوشهر و اهواز آغاز می‌شود. بمبی صوتی در ۸ اردیبهشت در سینما نادر

شرعی نسبت به در اختیار گرفتن سینماهای کشور اقدام لازم به عمل آید. مقتضی است نتیجه اقدامات در هر مورد به دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران گزارش شود.

البته در همان شماره روزنامه کیهان خبری درباره شرایط بنیاد مستضعفان در مدیریت سینماها منتشر می‌کند که در آن تلاش شده نگاه‌ها از سوی واژه «مصادره» منحرف شود. در خبر آمده است که بنیاد از نسوی دادستانی ماموریت داده شده است «مالکیت سینماها را بررسی و شناسایی کند و سپس پس از تحقیق پیرامون برنامه‌های آنان، چنانکه مالک سینمایی در اشاعه فحشا یا برنامه‌های خلاف شرع قدم بردارد، این امر به اطلاع حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب برسد.»

در همان شماره روزنامه‌های کیهان و اطلاعات، اطلاعیه انجمن سینماداران ایران نیز منتشر می‌شود. نویسندگان اطلاعیه نسبت به چند چیز ابراز خشم می‌کنند، برای مثال بنیاد اعلامیه‌ها را نامیده‌شدن سینماها به مراکز فحشا می‌نویسند: «اطلاق کلمه فحشا به این گروه متخصص کشور و ۲۰۰۰ نفر صاحبان ۴۰۰ سینمای کشور و یکی از ارکان دولت که به هر حال اگر فحشایی وجود داشته زینظر آن انجام گرفته و تعداد بی‌شماری از خواهران و برادران عزیز که از این موسسات استفاده می‌نمایند چه افترا می‌سنگینی است به ملت قهرمان ایران، آن هم در این موقعیت خاص کشور.» آنان در جای دیگر به تخصص نداشتن آدم‌های بنیاد مستضعفان در حوزه سینما می‌پردازند و ورود آنان به خلافکاری و رفتار غیرقانونی توصیف می‌کنند. اما نکته جالب اطلاعیه سینماداران جایی است که آنان فیلم‌های اکران شده توسط بنیاد مستضعفین را زیرسوال می‌برند. «هیچ کدام از این فیلم‌ها به هیچ‌وجه جنبه پیشرفت دین اسلام ندارد و در بین این فیلم‌ها ۵ یا ۶ فیلم ارزنده فقط از نظر سینمایی وجود دارد که عبارت است از فیلم‌های «زد»، «حکومت نظامی» و «آفریقا بیا خیز» که از طرف همان واردکنندگان فیلم متهمم به فحشا وارد و در چند سینما شهر طبق رویه متداول همینگی نمایش داده شد.» جایی دیگری از اطلاعیه آمده است: «همین بنیاد از نمایش فیلم «محمد رسول‌الله» خودداری نموده و این فیلم که تنها فیلمی است در جهان که در رابطه با دین مبین اسلام ساخته شده است در تمام کشور در سینماهای بخش خصوصی با شرایط غیرمتداول برای ترویج ورود این گونه فیلم‌ها به معرض نمایش گذارده شد.» نکته جالب همزمانی تبلیغ فیلم «محمد رسول‌الله» در همان شماره از روزنامه کیهان است، فیلمی که بر سرش مناقشه بسیار است.

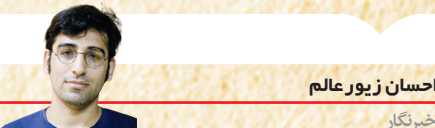
ایسن نامه که به دخالت‌ها در اکران و تولید فیلم از سوی نهادهای قضایی نیز اشاره می‌کند، با امضای رضانوری، رئیس هیات‌مدیره انجمن سینماداران ایران، تصویری از یک آینده متفاوت برای سینمای ایران ترسیم می‌کند. انوری در اطلاعیه خود تلاش دارد با کج‌دار و مریز هم اعتراض کند و هم دل قدوسی، دادستان کل وقت را به دست آورد. مصادره سینماها آخرین فرصت برای حفظ انگیزه فعالیت بخش خصوصی در حوزه سینما بود. در فقدان منابع مالی در تأمین سازه‌های اکران تولید فیلم‌ها حالا پرده سینما تنها ابزار پخش فیلم نیز در آستانه سقوط بود.

برای تولید نیز وجود نداشت. جایی که دادستانی وقت اقدام به احضار هنرمندان و تشکیل پرونده‌های متعدد برای آنها و ایجاد ممنوعیت برای فعالیت‌شان می‌کرد برای درک ماجرا کافی است سفری به شانزدهم فروردین ۵۹ داشته باشیم که آیت‌الله محمدی‌گیلانی پس از مذاکره با نجفی و مرحوم حبیبی وزیر وقت فرهنگ در گفت‌وگو با کیهان پیشنهادی برای هنرمندان می‌دهد تا به نحوی با هنرمند همچون خلانکاران و بوته‌کاران برخورد ننشود.

در گفت‌وگویی که با عنوان «پیشنهاد حاکم شرع تهران برای اشتغال هنرپیشه‌ها» منتشر می‌شود، محمدی‌گیلانی می‌گوید انگیزه احضار هنرمندان متأسی از «مساله حفظ عفت عمومی در جمع مسلمین بوده است، یعنی در دولت اسلامی، ارگان‌های دولت، آنچه منافات با اخلاق انسانی و اسلامی دارد، جلوگیری می‌کند.» او هنرمندان را مروجان فساد می‌نامد، اما معتقد است احضار کردن این افراد «اولاً یک تشخیص هویتی از این افراد در دادسرا، است دوم آنکه از این افراد تعهدی گرفته می‌شود.» که از هنری که دارند، در مجرای حرام استفاده نکنند.» توضیحات حاکم شرع این تصویر را تداعی می‌کند که قصد به خط کردن هنرمندان در راستای اهداف انقلاب است، حتی جایی می‌گوید با هنرمندان درباره مسائل اسلامی توضیحاتی داده می‌شود تا «هنر این افراد بدون فایده ماند و از هنر آنها برای تعلیم و تربیت و آنچه اسلام برای تکامل انسان ضروری می‌داند، استفاده شود.» البته مسیر طی شده پس از این مصاحبه در گذار تاریخ قضاوت متفاوتی را بازتاب می‌دهد. باین حال مصاحبه محمدی‌گیلانی کمی فضای هنری را آرام می‌کند. دقت داشته باشیم که دورانی سخن می‌گوییم که بازیگران و کارگردانان پیش‌انقلاب هنوز با ممنوعیت‌های وسیع روبه‌رو نشده‌اند.

همه چیز اما با یک نامه به هم می‌ریزد؛ نامه‌ای که یک روز پیش موضوعش تکذیب شده بود. ۲۵ فروردین ۵۹ دفتر دادستانی کل در خبری اعلام می‌کند قصدی برای مصادره سینماها ندارد و تنها به چند سینما بابت اکران فیلم‌های مبتذل اخطار داده است. اما این خبر تنها ۲۴ ساعت دوام داشت. یک روز بعد، یعنی ۲۶ فروردین، دادستانی کل انقلاب با صدور حکمی اعلام می‌کند تمامی سینماها به سبب ترویج بی‌اخلاقی مشمول امر مصادره می‌شوند، آن هم تنها ۱۰ روز پس از انتشار مصاحبه حاکم شرع تهران. علی‌قدوسی، یک روحانی منتقد دیگر اعلامیه‌ای منتشر می‌کند که با خبری از اصفهان جنجال به پا می‌کند. تیتیر «سینماهای اصفهان به نفع خانواده شهدا مصادره شد» در روزنامه کیهان، خبر از یک دوره تازه در سینمای می‌داد

اما اطلاعیه دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران گواه بر وضعیتی تازه داشت. در این اطلاعیه چنین آمده بود: «دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران درصدد رفع فساد و فحشا در کلیه سطوح است و اماکن فرهنگی قابل استفاده عموم باید در اختیار ارگان قابل اعتمادی باشد تا جنبه پیشرفت دین مبین اسلام تقویت گردد و در ضمن منافع حاصل از این اماکن در اختیار بهبود فرهنگ با شرایط زیستن مستضعفین قرار گیرد.» در اجرای این‌س منظور به بنیاد مستضعفین اجازه داده می‌شود که به تشخیص آن بنیاد با رعایت کامل موازین



حسان زیور عالم خبرنگار

نخستین مدیران سینمایی در دوران پس‌انقلاب شاید بر این تصور بودند که مدیریت نشست‌پشت میز و در دست داشتن قدرت است و حالا با داشتن اختیارات، محتوای سینمایی نیز به خودی خود تولید می‌شود. در یادداشت پیشین دیدیم چگونه برای تأمین بازار مصرف سراغ محصولات پیش از انقلاب رفتند. از آن سو، سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان برای از دست ندادن سرمایه خود، حاضر به تغییراتی در فیلم خود شدند تا محتوای پس‌انقلابی به اثرشان تزریق کنند تا در مقابل فیلم‌هایشان رنگ پرده سینما ببینند. البته در این میان آثاری هم بوده‌اند که هیچ‌گاه رنگ اکران به خود ندیدند. شاید نمونه درخشان «بن‌بست» ساخته پرویز صیاد باشد که از قضا هم اثری بود سیاسی و هم همسو با نیاز آن روز سینمای ایران اما او چهره‌ای نبود که مقبول مدیران وقت سینمایی باشد؛ مدیرانی که در آستانه تثبیت با مداخله‌ها، کمبودها و بی‌برنامگی‌ها روبه‌رو می‌شوند.

جمال امید در کتاب «تاریخ سینمای ایران» وضعیت محمدعلی نجفی در آغاز سال ۵۹ را این‌گونه توصیف می‌کند: «در طریق تحقق اهدافش در راه‌اندازی سینما در ۱۳۵۸ توفیق چشمگیری نداشته، در شروع سال نو امیدوارانه و با جدیت فعالیت خود را در جهت رفع معضلات متنوع از کمبود مواد خام گرفته تا فقدان فیلم‌های مناسب، تنوع برداشت‌های مسئولان از نقش سینما، انتظاراتی ضدونقیضی در اداره آن و دخالت‌های مستمر نهادهای مختلف آغاز می‌کند و به این منظور به گفت‌وشنودهای تشریعی با نهادهای مدعی چون صداوسیما، بنیاد هنری مستضعفین، کمیته مبارزه با منکرات و بالاخره دادستانی کل می‌پردازد و در جست‌وجوی طریقی برمی‌آید که به هر تدبیر چرخ تولید سینمای ایران را به گردش درآورد.»

این پاراگراف - فارغ از نگاه جانبدارانه جمال امید نسبت به نجفی - تصویری خوب از سوی شاهدی عینی است که وضعیت را از نزدیک رصد کرده است. شرایط پس از انقلاب به لحاظ اقتصادی چندان مطلوب نیست و بی‌شک خرید وسایل و ادوات سینمایی نیز اولویت دولت وقت نبوده است. نام نهادهای مداخله‌گر در حوزه سینما نشان می‌دهد که جایی چون مدیریت سینمای کشور توان رقابت یا مداخله متقابل نداشته است.

نهم فروردین ۱۳۵۹، اکبر عالمی که مدیر کل وزارت فرهنگ و هنر وقت را برعهده داشت در گفت‌وگو با روزنامه کیهان اعلام کرد حداقل تا یک ماه بعد سینمای ایران در رکود است. او مشکل را این‌گونه بیان کرد: «چنانچه دولت تسهیلات لازم را از طریق بانک مرکزی و وزارت بازرگانی برای واردات ۱۸ قلم مواد خام و شیمیایی برای ظهور فیلم فراهم نکند، این وقفه در صنعت سینمایی کشور تأثیر خواهد گذاشت.» عالمی اما یک نکته مهم دیگر هم می‌گوید؛ صداوسیما دیگر مواد لازم را برای تولیدات خود ندارد اما مشکل که تنها مواد خام نبود، با وجود مواد، نیروی لازم

✘ خبر تکذیب مصادره سینماها

فرماندهای کل انقلاب: **سینماهای کشور مصادره نشده‌اند** ۱۵ بهمن‌روز سینماها مصادره نشده‌اند و فقط فیلم‌های مبتذل مصادره می‌شوند. در این بیانیه آمده است: «سینماها مصادره نشده‌اند و فقط فیلم‌های مبتذل مصادره می‌شوند. در این بیانیه آمده است: «سینماها مصادره نشده‌اند و فقط فیلم‌های مبتذل مصادره می‌شوند.»

**طرح خطرناک آمریکا، اسرائیل**  
اعلامیه انجمن سینماداران ایران  
اعلامیه انجمن سینماداران ایران در مورد طرح خطرناک آمریکا و اسرائیل در خصوص مصادره سینماها در ایران منتشر شد. در این اعلامیه آمده است: «طرح خطرناک آمریکا و اسرائیل در خصوص مصادره سینماها در ایران، اقدامی است که به حقوق ملت ایران و آزادی بیان و هنر ضربه می‌زند. ما این اقدام را محکوم می‌کنیم و از جامعه جهانی برای مقابله با این اقدام غیرقانونی درخواست می‌کنیم.»

آغاز سومین ماه نمایش پر عظمت‌ترین فیلم تاریخ سینما از زندگی پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد (ص) در سینماهای فرهنگسما آنترال  
**محمد رسول‌الله**  
توقیف‌کنندگان دینش  
اینها پاپ‌های دینش  
تیکه‌زده‌گران مغزهای  
پشیمان‌شدگوشتری  
چاقوسا درخش‌بال مایل‌نارست دینش  
و از روز شنبه ۲۰ فروردین در سینما متروپل (پارک)

**شرایط مدیریت بنیاد مستضعفان در سینماها اعلام شد**  
بر اطلاع‌رسانی به مدیران سینماها، بنیاد مستضعفین شرایط مدیریت این مراکز را اعلام کرد. در این شرایط آمده است: «سینماها باید در راستای اهداف انقلاب و خدمت به ملت فعالیت کنند و از ترویج فحشا و فساد جلوگیری کنند.»

**سینماهای اصفهان بنفخ خانواده‌های شهدا مصادره شد**  
بنیاد مستضعفین اصفهان اعلام کرد که سینماهای این شهر را به خانواده‌های شهدای این استان مصادره کرده است. در این بیانیه آمده است: «سینماهای اصفهان به خانواده‌های شهدای این استان مصادره شد تا بتوانند با هزینه‌های خود فیلم‌های مورد نیاز را اکران کنند.»

**امام عالیجناب پاپ «آقای کارتر» رانصیحت کنید!**  
امام عالیجناب پاپ «آقای کارتر» رانصیحت کنید! این شعار در تظاهرات مردمی در حمایت از امام خمینی در آمریکا استفاده می‌شود.

**کیهان**  
تعداد: ۱۴ صفحه  
شماره: ۱۵ روال  
مجله ۳۱ فروردین ماه ۱۳۶۹ - پست و رقم چاپی: اول، ۱۴۰۰ - شماره: ۱۰۹۲۲

**اطلاعیه انجمن سینماداران**  
انجمن سینماداران ایران اعلامیه‌ای در خصوص مصادره سینماها در ایران منتشر کرد. در این اعلامیه آمده است: «ما این اقدام را محکوم می‌کنیم و از جامعه جهانی برای مقابله با این اقدام غیرقانونی درخواست می‌کنیم.»

**تعمیرات مقابله با تحریم اقتصادی آمریکا بر نظر رئیس جمهور تشکیل شد**  
رئیس‌جمهور آمریکا با دیدار از مقامات ایرانی در مورد تحریم‌های اقتصادی علیه ایران گفت: «ما به دنبال ایجاد روابط اقتصادی و تجاری با ایران هستیم.»

**دستور مصادره سینماها**  
بنیاد مستضعفین دستور مصادره سینماها را صادر کرد. در این دستور آمده است: «سینماها باید در راستای اهداف انقلاب و خدمت به ملت فعالیت کنند و از ترویج فحشا و فساد جلوگیری کنند.»